



عقل منفصل رئیس جمهور آمریکا به رغم جدایی از دولت پروژه مهمی را دنبال می کند

ترامپ در اروپا به دنبال چیست؟



دکتر سیدعلیرضا موسوی
دکتری علوم سیاسی از دانشگاه فردیس شیراز آلمان

استیو بنن، مشاور سابق دونالد ترامپ و از مدیران سابق نشریه دست راستی برایت بارت نیز «Breitbart News» اخیرا تور اروپایی خود را در قالب دیدار با سران جریان های سیاسی آلتزناتیو اروپا آغاز کرده است. بنن نقش بی بدیلی را در اقع افکار عمومی آمریکا برای انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور داشت و اساسا بعد از تشکیل دولت جدید در آمریکا، از تیم ترامپ جدا شد؛ چراکه او اساسا مرد جریان سازی های جدید در پشت پرده است و نوع تفکر او با فعالیت های سیاسی - اجرایی سازگاری ندارد. او از تیم ترامپ جدا شد نه بابت اینکه با شخص ترامپ مخالفت داشت، بلکه بابت آن که به او ماموریت جدیدی واگذار شده بود. این ماموریت با انتخابات سال ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا ارتباط دارد که قرار است بنن در جهت دهی سیاسی به احزاب راست جدید اروپا نقش ایفا کند.

از سال ۲۰۱۵ با آغاز بحران مهاجرت در غرب، در اکثر کشورهای اروپایی احزاب سیاسی جدیدی در قالب تفکر راست جدید اروپایی «Neue Rechte» ظهور کردند. رشد این جریان های جدید اساسا معلول بحران مشروعیت نظام های سیاسی در اروپاست که نارضایتی توده های مردم از سران این کشورها به همراه داشته است. در چند سال اخیر، مهاجرت های کنترل نشده به اروپا و رشد بزه کاری و بحران اقتصادی در این قاره، فرصت را برای قدرت گیری جریان های سیاسی فراهم کرد که اساسا با مفاهیم حقوق بشر و پلورالیسم که غرب خود را با آنها می شناسد، نسبتی ندارند. این جریان های جدید تحت عنوان «راست جدید» یا به زعم رسانه های اصلی غربی «راست افراطی»، اساسا یک رویکرد «هویت طلب» و «انزواطلب» در عرصه سیاست داخلی و خارجی دارند که مخالف جهان تک قطبی ترنس آتلانتیک و خواهان بازگشت به دولت های ملی در قالب مخالفت با مهاجران و ستیز با فرهنگ های غیراروپایی ساکن غرب هستند.

اما نکته مهم آنجاست که هنوز ساختار اجرایی اتحادیه اروپا و البته کشورهای مهم اروپا در دست جریان های اصلی اصطلاحا حقوق بشری

و جهان گراست که در مخالفت جدی با رشد جریان نوظهور راست جدید هستند. در همین جا، چالش اصلی دولت مرکل، ترزا می و مکرون با آمریکای عصر ترامپ آشکار می شود. به واقع، فشار ترامپ بر اروپا برای اعمال خواسته هایش، مثلا در قالب تلاش برای بالا بردن سهم این کشورها

در بودجه ناتو یا بستن تعرفه ها بر کالاهای اروپایی، به نوعی تلاش برای عزل حاکمیت اروپای امروز و راه باز کردن برای به قدرت رسیدن همفکرانش در اروپا یعنی جریان های راست جدید است. از همین رو، می بینیم در مورد بحث تعرفه بستن به کالاهای غیرآمریکایی یا خروج از برجام، شدیدا نخبگان اروپا با ترامپ مخالفت می کنند. در همین قالب، باید به مقاله اخیر وزیر خارجه آلمان آقای هایکو ماس در روزنامه هندل بلت «Handelsblatt» اشاره کرد که در آن او در مخالفت با ترامپ از ایجاد یک سازمان مالی اروپایی مستقل برای دور زدن فشار بر ایران بابت سیستم مالی سوئیف سخن می گوید. در واقع این اتفاق و تضارب آرا باید در قالب جدال ترامپ و حاکمیت نخبگان اروپای امروز فهم شود.

حال در این فضای سیاسی بحران رده، استیو بنن بر این نظر است که اساسا نظام های سیاسی غرب دچار بحران مشروعیت هستند. این مساله از یک طرف با بحران های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در غرب و از طرف دیگر با ظهور بازیگران سیاسی جدید در عرصه بین الملل ارتباط دارد. از همین رو، بنن از طرفی، از ظهور جریان های راست جدید در اروپا به موازات قدرت گیری ترامپ حمایت می کند تا یک غرب انقلابی و یکدست جدیدی را شکل دهد و از طرف دیگر، خواستار احیای غرب فرهنگی جدیدی «Abendland - Okzident» است که باید به دنبال یک بازیگر قوی به لحاظ سیاسی و فرهنگی باشد که غرب را در برابر ظهور قدرت های جدید غیرغربی ایمن نگه دارد. در اینجا لازم است برای روشن تر شدن بحث به یکی از مصاحبه های

مهم بنن در سفر تور اروپایی اش با هفته نامه دی سایت «Die Zeit» آلمان اشاره کنم. بنن در این مصاحبه اشاره می کند که چالش مهم قرن بیست و یکم در عرصه سیاست بین الملل، ظهور قدرت های جدید چین، ایران و ترکیه است. در همین راستا او در بخش دیگر مصاحبه اش ادعا می کند که به لحاظ فرهنگی روسیه بخشی از بلوک غرب است و روسیه امروز با شوروی سابق که در مقابل غرب سرمایه داری قرار گرفته بود، ارتباطی ندارد. نکته جالب اینجاست که عموما جریان های دست راستی جدید، حساب ویژه ای را برای روسیه در معادلات شان باز می کنند. منتها نوع نگاه به روسیه در میان جریان های راست جدید متفاوت و با استراتژی های گوناگون است. بنن یک استراتژیست بسیار هوشمند است که به نقش پررنگ سه کشور چین، ایران و

ترکیه در معادلات آینده جهان پی برده است. از طرف دیگر، بنن به سقوط فرهنگی بلوک غرب امروز اعتقاد دارد که اساسا این نظام سیاسی را در برابر بازیگران جدید تضعیف کرده است. بنن از همین رو از یک غرب فرهنگی جدید سخن می گوید که برای تاسیس آن، این بار قصد یارگیری در عرصه

بین الملل علیه ملت های قدرتمند غیرغربی را دارد. در همین راستا، مطرح کردن روسیه به عنوان بخش جدیدی از بلوک غرب و مفهوم سازی آن در محافل استراتژیک، بخشی از پروژه او است.

اما سخن از غرب فرهنگی جدید به اضافه روسیه، هیچ نسبتی با واقعیت های تاریخی ندارد. اساسا در تاریخ غرب، مسیحیت ارتدوکس به عنوان یک مسیحیت عرفانی و جعلی شناخته شده که نسخه ای اشتباه از واقعیت غرب مسیحی است. به طور مثال در جنگ کریمه میان عثمانی های مسلمان و روس ها در سال های ۱۸۵۳ تا ۱۸۵۶، اروپایی ها یعنی فرانسه و انگلیس طرف ترک های عثمانی را گرفتند. چرا که اعتقاد بر آن بود که اتحاد با یک نظام فرهنگی کاملا بیگانه بهتر از اتحاد با یک نسخه جعلی از فرهنگ مسیحیت و غرب است. این افتراق فرهنگی تا جایی پیش رفت که اساسا روس ها در زمان جنگ اول و دوم جهانی از طرف متحدان یعنی آلمان ها به عنوان مغول ها و آسیایی های بی فرهنگ شناخته می شدند؛ مساله ای که البته در نگاه غربی ها نسبت به روس ها در طول تاریخ ریشه داشت. در پروژه سیاسی بنن همچنین یک مفهوم بر ساخته شده است که از سال پیش لابی های نتوکان در آمریکا از آن سخن می گویند. این مفهوم دیالوگ مسیحیت و یهودیت «Christlich-Jüdischer Dialog» یا به تعبیر دیگر میراث مشترک یهود و مسیحیت است. این اصلاح هم بی شک جعل دروغینی است که اساسا هیچ نسبتی با واقعیت تاریخ غرب که پر از یهودی ستیزی است، ندارد. منتها این مفهوم از طرف لابی های راست جدید و خصوصا

شاخه های نفوذمحافظه کار برساخته شده است که سلاحی علیه ملت های در حال ظهور غیرغربی و خصوصا مسلمان در مساله فلسطین شود. در نتیجه تاسیس یک غرب فرهنگی جدید در آرای بنن تکیه بر ادغام روسیه مسیحی در بلوک غرب و جعل مفهوم میراث مشترک مسیحیت و یهودیت در بلوک غرب دارد.

حال هدف بنن با جعل مفهوم میراث مشترک یهودیت و مسیحیت، ایجاد جبهه جدید در قالب دفاع از منافع رژیم صهیونیستی علیه قدرت های جدید شرقی که به زعم او ایران، چین و ترکیه هستند، است و البته از طرف دیگر بازی دادن روس ها در قالب منافع نظام غرب بخشی دیگر از پروژه سیاسی است. بازی دادن از این جهت که ترس راست جدید در آمریکا از تشکیل بلوک اوراسیای روس ها «Eurasia» است که می تواند نهایتا

قدرت های غیرغربی را علیه نظام تک قطبی جهان متحد کند. نظریه جهان چند قطبی یا اوراسیای روسی که توسط مشاوران پوتین مثل الکساندر دوگین طراحی و حمایت می شود، اساسا تهدیدی بالقوه برای زیاده خواهی های آمریکا در جهان است.

مقاومت موشک نقطه زن دارد

سید حسن نصرالله در سخنرانی خود در روز عاشورا در بیروت با اشاره به جنایات ائتلاف سعودی در یمن گفت: «اتفاقات کنونی در یمن، کربلای امروز است و در قیامت از سکوت در این باره سوال خواهد شد.» دبیرکل حزب الله لبنان همچنین درباره تحریم ایران اظهار داشت: «واجب است در کنار ایران بایستیم، چند هفته بعد تحریم های آمریکا علیه ایران اجرا می شود. جمهوری اسلامی ایران به مسائل مستضعفان پایبند است و این حق ایران بر گردن ماست که در کنارش باشیم.» او درباره قدرت حزب الله هم گفت: «مقاومت امروز موشک های نقطه زن و غیرنقطه زن و امکانات و تسلیحات لازم را در اختیار دارد و اگر اسرائیل جنگی بر لبنان تحمیل کند با سرنوشتی روبه رو خواهد شد که در هیچ روزی انتظار آن را نداشته است.»



اعزام هیات صهیونیست به مسکو

رژیم صهیونیستی برای کاهش خشم روسیه بابت سرنگونی یک هواپیمای نظامی این کشور در سوریه، فرمانده نیروی هوایی خود را راهی مسکو کرد. این در حالی است که کرملین اعلام کرده پوتین بنادارد با این ژنرال ارشد اسرائیلی دیدار کند. تل آویوم ی گوید هیات اسرائیلی مستنداتی را با خود به مسکو برده تانشان دهدا اسرائیل در سرنگونی این جنگنده که توسط پدافند هوایی سوریه رخ داد، مقصر نبوده است. در همین حال سخنگوی رسمی کرملین اعلام کرد که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور این کشور بنادارد با این ژنرال اسرائیلی دیدار داشته باشد. شامگاه دوشنبه و در جریان حمله هوایی اسرائیل به استان لاذقیه سوریه یک هواپیمای نظامی روسیه نیز با ۱۵ سرنشین سرنگون شد که بعدها مشخص شد این اقدام با برنامه ریزی خلبان های اسرائیلی و با به اشتباه کشاندن پدافند هوایی سوریه رخ داده است.

حال تور اروپایی بنن برآمده از نگرانی های او نسبت به استراتژی راست های جدید در اروپاست، چراکه بی شک بنن نماینده تمام راست های جدید در غرب نیست، بلکه او نماینده یک شاخه جدید نتوکان است که البته «انقلابی» در باب تحولات آینده جهان فکر می کند و اساسا به سقوط معنوی غرب امروز باور دارد. اما راست جدید در اروپا یک جریان تکه تکه شده است که شاید فقط بخشی از آن از نوع تفکر بنن که عملا منافع آمریکا را اولویت قرار می دهد، حمایت می کند. به طور مثال در درون راست جدید اروپایی، شاخه های حامی اوراسیای روسی وجود دارد که اساسا مخالف هرگونه دخالت آمریکا در امور اروپا هستند. منتها هدف بنن ایجاد یک جریان تقریبا یک دست برای انتخابات ابتدای سال ۲۰۱۹ اتحادیه اروپاست تا بر اساس هدف طراحی شده او، یک سوم پارلمان بروکسل به راست جدید اختصاص یابد. از همین رو، تاکید او در سفرها و دیدارهایش با سران احزاب راست جدید روی مسائل مشترک مثل «مقابله با مهاجرت های غیرقانونی» و «تقویت دولت های ملی» است. اگرچه تصور اینکه بنن آرای فکری اش را کاملا به احزاب راست جدید اروپا تحمیل کند، بسیار سخت است، منتها بابت بحران مهاجرت در غرب و رشد اسلام ستیزی، ترس از تشکیل یک بلوک کاملا ضد شرقی و خصوصا ضدایرانی دور از تصور نیست. در واقع، وقتی بنن از سه قدرت چالشی قرن بیست و یکم یعنی ایران، چین و ترکیه سخن می گوید، این کشورها را تلویحا به عنوان دشمن نظام فرهنگی غرب معرفی می کند و در همین قالب مساله روسیه و گرایش او به سمت غرب به یک مساله مهم برای او و همفکرانش تبدیل می شود. منتها نهایتا نباید فراموش کرد این غرب جدیدی که بنن از آن سخن می گوید، یک غرب ضدموکرانیک و تا حدی نژادپرستانه است که عملا مهر بطلانی بر تمام ادعاهای امروزین غربی ها در باب دموکراسی خواهی و صلح طلبی است.

مسئولان دستگاه دیپلماسی و کارشناسان مسائل سیاسی ایران باید به شناخت جریان نوظهور راست جدید بپردازند و به تحلیل فرصت ها و چالش های این اتفاق جدید در غرب توجه ویژه داشته باشند. خصوصا آنکه از زمان قدرت گیری گام به گام احزاب راست جدید در اروپا، لابی های روسی و صهیونیستی بسیار فعال برای حفظ منافع شان در این جریان های جدید سیاسی شده اند. از همین رو، ما نباید در گذشته باقی بمانیم و اروپای امروز را

همچنان در دست جریان های اصطلاحا حقوق بشری و گلوبال نئولیبرال غرب که نمایندگان آن مرکل و مکرون هستند، ببینیم. نظام های سیاسی غرب در چند سال اخیر بی شک مشروعیت شان را در میان مردم از دست داده اند و نشانه آن گرایش آنها به احزاب شبهه پوپیولیستی و انقلابی راست جدید است.



آغاز جنگ تجاری ۲۰ ساله چین و آمریکا

جک ما، از بنیانگذاران گروه تجارت الکترونیک چینی «علی بابا» می گوید که مردم چین باید خود را برای جنگ تجاری آماده کنند که برای مدتی بیش از ۲۰ سال میان چین و ایالات متحده آمریکا طول خواهد کشید. به گفته او هدف از افزایش تعرفه ها توسط آمریکا، فعالیت های تجاری چین نیست، بلکه نفوذ اقتصادی رو به رشد چین است. جک ما همچنین به خبرنگاری «شین هوا» گفت که به دلیل تنش های روی داده میان پکن و واشنگتن، شرکتش دیگر نمی تواند به قولی که پیش از این داده بود یعنی ایجاد یک میلیون فرصت شغلی در ایالات متحده آمریکا عمل کند. او گفت: «این قول با توجه به همکاری های دوستانه چین و آمریکا و روابط تجاری دوجانبه آنها داده شد، اما وضعیت کنونی، پایه های این همکاری را نابود کرده است.»